

بررسی ارتباط رضایت از تصویر ذهنی بدنی با الگوهای فرهنگی - اجتماعی در دختران نوجوان شهر رشت

مریم دهقانی*، مینو میترا چهرزاد**، معصومه جعفری اصل**، دکتر ربابه سلیمانی***
دکتر احسان کاظم نژاد لیلی****

دریافت: ۹۱/۵/۲۲، پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۳

چکیده:

مقدمه و هدف: مشغولیت با تصویر ذهنی بدنی از مهمترین موارد دل‌مشغولی نوجوانان بوده و عوامل زیادی از جمله الگوهای فرهنگی اجتماعی بروی تصویر ذهنی بدنی و رضایت از آن تاثیر می‌گذارند. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط رضایت از تصویر ذهنی بدنی با الگوهای فرهنگی - اجتماعی در دختران نوجوان شهر رشت انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی - تحلیلی بر روی ۴۵۰ دختر نوجوان ۱۵ تا ۱۷ ساله دبیرستان‌های شهر رشت با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - تصادفی در سال ۱۳۸۹ انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه مشخصات دموگرافیک، MBSRQ-AS، SATAQ-3، متر و ترازو جهت تعیین BMI جمع‌آوری شد. اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: میانگین رضایت از تصویر ذهنی بدنی در حیطه‌های گرایش به ظاهر (۴۹/۹۲ ± ۴/۸۵)، ارزیابی وضع ظاهری (۳/۸۲ ± ۲۳/۷۵) و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن (۳۶/۳۱ ± ۶/۳۳) در حد بالا و در حیطه مشغولیت فکری با اضافه وزن (۴/۸۲ ± ۱۷/۲۷) در حد پایین بود. بین حیطه‌های مختلف رضایت از تصویر ذهنی بدنی با BMI و الگوهای عمومی جامعه و ورزشکاران ارتباط معنادار آماری مشاهده شد ($p < 0.001$).

نتیجه نهایی: دختران نوجوان از تصویر ذهنی بدنی به جز در حیطه گرایش به ظاهر رضایت بالا داشتند و رضایت از تصویر ذهنی بدنی آنان تحت تاثیر شاخص توده بدنی، الگوهای عمومی و ورزشکاران جامعه قرار داشت. بنابراین شناسایی این عوامل تأثیرگذار بایستی مورد توجه قرار گیرد تا بتوان با ارائه آموزش‌های مناسب، اعتماد به نفس و بهداشت روانی را ارتقاء داده و از بروز اختلال در تصویر ذهنی بدنی نوجوانان پیشگیری نمود.

کلید واژه‌ها: الگوگیری از ورزشکاران / الگوگیری عمومی / تصویر ذهنی بدنی / دختران نوجوان

مقدمه:

را یک رشد سریع بدنی و بیداری و آگاهی جنسی و یک «انقلاب فیزیولوژیک» می‌داند و معتقد است بر همه‌ی جنبه‌های جسمی و روانی نوجوان از جمله هویت و تصویر ذهنی از بدن وی تأثیر می‌گذارد (۲). تصویر ذهنی از بدن یکی از ابعاد مهم خود ظاهری و خود ارزیابی در این دوره است (۳) و نه تنها درک جسمانی، عاطفی، اجتماعی و نگرشی، بلکه جنبه‌های گوناگون هویت روانشناختی،

در جریان رشد انسان و چرخه‌ی تحول روانی هر فرد دوره‌ی مهمی بین کودکی و بزرگسالی به نام نوجوانی وجود دارد که مشخص‌کننده‌ی پایان کودکی و آغاز پی‌ریزی پختگی در سه بعد زیستی، روانی و اجتماعی است (۱). این دوره با مشکلات، تعارضات، بحرانها و تغییرات بسیاری از جمله بلوغ همراه است. Erikson بلوغ

* مربی گروه پرستاری کودکان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی همدان

** مربی گروه پرستاری کودکان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی گیلان (chehrzad@gums.ac.ir)

*** استادیار گروه روانپزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

**** استادیار گروه آمار حیاتی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

«بدن متناسب و جذابیت ظاهر فیزیکی»، ماهواره و تبلیغات آن در قالب شو و برنامه‌هایی مانند مسابقات انتخاب دختر سال (۶۵٪) و پس از آن با فاصله‌ی زیادی مشاهده در سطح جامعه در مراسم، جشن‌ها و مهمانی‌ها (۲۲/۵٪) و نیز هنرپیشه‌هایی که در سینماهای کشور ایفای نقش می‌کنند (۲۱/۷٪) می‌باشد (۱۶). نتایج پژوهش Knauss و همکاران (۲۰۰۷) در سوئیس نیز نشان داد، بین رضایت از تصویر ذهنی بدنی و الگوگیری از اندام‌های ایده‌آل رسانه‌ای و ترغیب از سوی رسانه‌ها برای رسیدن به این ایده‌آل‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد (۱۷). هم‌چنین نتایج پژوهش Jones و همکاران (۲۰۰۴) در واشنگتن نشان داد، مطالعه مجلات مرتبط با ظاهر بطور غیر مستقیم از طریق درونی کردن ایده‌آل‌های رسانه‌ای ($P < 0/001$)، و درونی کردن ایده‌آل‌های رسانه‌ای بطور مستقیم ارتباط معنی‌داری با نارضایتی از تصویر ذهنی بدنی دارند ($P < 0/001$) (۱۸).

از آنجایی که می‌توان گفت یکی از مهمترین دلایل عدم رضایت از تصویر ذهنی بدنی در دختران نوجوان، استانداردهای اجتماعی و جو فرهنگی حاکم بر جامعه است که از طریق رسانه‌های جمعی، مجلات و ماهواره در میان دختران انتشار می‌یابد (۳) و با توجه به اینکه کشور ما در معرض موج تبلیغات رسانه‌ای توسط ماهواره و اینترنت قرار دارد و دیر یا زود، آثار روان‌شناختی این استانداردها بر افراد و عملکرد روان‌شناختی آنها به چشم خواهد خورد (۱۹)؛ شناسایی و پیشگیری هر چه زودتر این نوع اختلالات بایستی مورد توجه کلیه آحاد جامعه قرار گرفته و با ارائه آموزش‌های مناسب سبب ارتقا اعتماد به نفس دانش‌آموزان گردیده و در نتیجه رضایت از تصویر ذهنی بدنی آنان را بالا برده و بهداشت روانی آنها را ارتقاء بخشند. بنابراین لزوم بررسی رضایت از تصویر ذهنی بدنی و عوامل مرتبط با آن در بافت فرهنگی جامعه‌ی ایرانی، به خصوص در میان دختران نوجوان، قشری که بیشتر مستعد این گونه نگرش‌ها و رفتارها هستند، ضروری به نظر می‌رسد. لذا این مطالعه با هدف تعیین رضایت از تصویر ذهنی بدنی و ارتباط آن با الگوهای فرهنگی-اجتماعی و

اجتماعی، جنسی، خانوادگی و تطابقی فرد را در بر می‌گیرد (۴). اگرچه تصویر ذهنی از بدن ساختاری چند بعدی دارد ولی غالباً به صورت درجه‌ای از رضایت از ظاهر فیزیکی (اندازه، شکل و ظاهر عمومی) تعریف می‌شود (۵) که شامل عدم اختلاف بین تصویر بدنی کنونی و تصویر بدنی ایده‌آل است (۶). از آنجایی که دوران نوجوانی و بروز علائم بلوغ بر رابطه فرد با محیط، تأثیر شگرفی گذاشته و در فرد بحران هویتی ایجاد می‌کند و توجه فرد به ظاهر خویش جهت جلب توجه دیگران به اوج می‌رسد و نیز تکامل شناختی این احساس را در او بوجود می‌آورد که مدام در معرض دید دیگران است (۴)، یکی از معیارهای مورد توجه سلامت روانی، رضایت از تصویر ذهنی بدنی (Body Image Satisfaction) و نگرش مثبت به جسم می‌باشد (۷). رضایت از تصویر ذهنی بدنی اثرات پیچیده روانی بروی «مفهوم خود» (Self-Concept) گذاشته و عامل اساسی در تعیین چگونگی تعامل نوجوان با دیگران محسوب می‌شود (۳). درک نامناسب از تصویر ذهنی بدنی و عدم رضایت از آن می‌تواند به مشکلات جسمی و روحی منجر شود (۸). تحقیقات متعددی ارتباط عدم رضایت از تصویر ذهنی بدنی با اضطراب و استرس (۹)، فوبی اجتماعی (۱۰)، استعمال سیگار و الکل (۱۱)، وسواس و اضطراب اجتماعی (۱۲)، حساسیت در روابط بین فردی، رفتارهای وسواسی-جبری (۱۳) و اختلالات تغذیه‌ای (۵) را به اثبات رسانده‌اند.

یکی از مهمترین علل عدم رضایت از تصویر ذهنی بدنی در دختران نوجوان، استانداردهای اجتماعی زیبایی در سال‌های اخیر است که بطور عمده بر لاغری تأکید می‌کنند (۱۴). دختران همواره در تلاش‌اند تا بتوانند با بالا بردن کیفیت ظاهری بدن، خود را با انتظارات اجتماعی و فرهنگی جامعه هماهنگ سازند، که البته اکثر این الگوها از طریق رسانه‌های جمعی، مجلات مد و لباس و غیره در میان دختران انتشار می‌یابد (۳). روزنامه‌ها و مجلات همگی سرشار از پیام‌هایی هستند که چگونگی جذاب سازی را ترویج می‌کنند (۱۵). نتایج پژوهش ذکایی (۱۳۸۶) در تهران نشان داد، منبع اصلی ترویج الگوی

ورزشکاری از طریق رسانه‌ها در دختران نوجوان شهر رشت انجام شد.

روش کار:

پژوهش حاضر، یک مطالعه‌ی مقطعی از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه پژوهش شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر ۱۵ الی ۱۷ ساله‌ی شاغل به تحصیل در پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در نواحی یک و دو آموزش و پرورش شهر رشت می‌باشد. نمونه‌های این پژوهش ۴۵۰ دانش‌آموز دختر بودند که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده دو مرحله‌ای انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: عدم ابتلاء به بیماری‌های جسمی حاد و مزمن و بیماری‌های اعصاب و روان، عدم استفاده از داروهای روانگردان و عدم وجود معلولیت جسمی و آسیب‌های فیزیکی نظیر سوختگی یا پارگی آشکار بود، هم‌چنین اینکه نوجوانان در طول زندگی آسیب‌های روانی - اجتماعی (طلاق، مرگ و ازدواج مجدد والدین و فرار از منزل) را تجربه نکرده و ورزشکار حرفه‌ای نیز نباشند. برای رعایت شرایط ورود، پرونده‌های بهداشتی دانش‌آموزان بررسی و از مسئولین مدرسه نیز کمک گرفته شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه، متر و ترازوی فنری بود. پرسشنامه‌های استفاده شده عبارت بودند از:

الف) پرسشنامه مشخصات دموگرافیک شامل: سن، رتبه تولد، نوع مدرسه محل تحصیل، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، قد و وزن

ب) پرسشنامه‌ی نگرش فرد در مورد بدن خود: یک مقیاس خودسنجی ۳۳ ماده‌ای به صورت ۵ گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱) مشتمل بر ۴ حیطه‌ی ارزیابی از وضع ظاهری (Appearance Evaluation ; AE)، گرایش به ظاهر (Appearance Orientation ; AO)، رضایت از قسمت‌های مختلف بدن (Body areas satisfaction; BASS) و مشغولیت فکری با اضافه وزن (Overweight preoccupation ; OWPREOC) است. این پرسشنامه یک ابزار استاندارد می‌باشد که توسط کش (۲۰۰۰) برای ارزیابی تصویر

ذهنی از بدن طراحی و معتبر گردیده (۲۰)، و راحتی (۱۳۸۳) نیز به بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه در نمونه‌های ایرانی پرداخت است که نتایج آلفاکرونباخ زیر مقیاس‌های آن (AE, AO, BASS, OWPREOC) به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۴، ۰/۷۹ و ۰/۶۷ بوده است (۲۱). نقطه برش ابزار میانگین بود. نمره بالاتر از میانگین نمره ابزار در حیطه‌های ارزیابی وضع ظاهر و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن به ترتیب نشان دهنده‌ی احساس جذابیت فیزیکی و رضایت بالا از وضعیت ظاهری و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن بوده، اما بالا بودن میانگین در حیطه گرایش به ظاهر نشان دهنده‌ی صرف زمان، تلاش و انرژی ذهنی قابل توجهی برای ظاهر و جذابیت بوده و نشان دهنده‌ی رضایت پایین از تصویر ذهنی بدنی در این حیطه می‌باشد. هم‌چنین نمره بالاتر از میانگین نمره ابزار در حیطه مشغولیت فکری با اضافه وزن، نشان دهنده‌ی رضایت پایین و بیشتر بودن نگرانی و اضطراب در مورد وزن و چاقی می‌باشد.

ج) پرسشنامه نگرش فرهنگی اجتماعی جامعه نسبت به ظاهر (Sociocultural Attitudes Towards Appearance Questionnaire-3; SATAQ-3): یک مقیاس خود سنجی ۳۲ ماده‌ای به صورت ۵ گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱) با دو زیر مقیاس الگوگیری عمومی (general internalization) و الگوگیری از ورزشکاران (Athlete internalization) می‌باشد. زیر مقیاس الگوگیری عمومی میزان پذیرش و تائید ایده‌آل‌های فرهنگی - اجتماعی (از طریق، تلویزیون، سینما و غیره) و زیر مقیاس الگوگیری از ورزشکاران میزان پذیرش و تائید اندام‌های ورزشکاری و عضلانی و تلاش برای رسیدن به این ایده‌آل‌ها را می‌سنجد. این پرسشنامه‌ی استاندارد توسط کوین تامپسون طراحی شده است، سپس پایایی و اعتبار نسخه ۳ این پرسشنامه (SATAQ-3) توسط Thompson و همکاران (۲۰۰۴) و Swami (۲۰۰۹) مورد سنجش قرار گرفته است (۲۲، ۲۳).

در تحقیق کنونی جهت کسب اعتبار علمی پرسشنامه‌ها از اعتبار محتوی، شاخص تعیین روایی تک

رشته تجربی (۳۵/۶٪) بودند. هم‌چنین اکثریت واحدهای مورد پژوهش دارای قد بین ۱/۵۶ تا ۱/۶۷ متر (۶۳/۹٪) و وزن بین ۴۴/۷۴ تا ۶۶/۶۶ کیلوگرم (۷۱/۸٪) بوده و از BMI طبیعی (۵۹/۴٪) برخوردار بودند. هم‌چنین نتایج نشان داد میانگین رضایت از تصویر ذهنی بدن در حیطه‌های گرایش به ظاهر، ارزیابی وضع ظاهری و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن نسبت به میانگین نمره ابزار، بالا و در حیطه مشغولیت فکری با اضافه وزن در حد پایین بود (جدول ۱).

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار امتیازات رضایت از تصویر ذهنی بدنی واحدهای مورد پژوهش در حیطه‌های مختلف

فاصله اطمینان ۹۵٪	حیطه‌ها		امتیاز اصلی	
	حداکثر	حداقل	میانگین و انحراف معیار	پرسشنامه
۵۰/۳۸	۴۹/۴۶	۴۹/۹۲±۴/۸۵	۱۲-۶۰	گرایش به ظاهر
۲۴/۱۱	۲۳/۳۹	۲۳/۷۵±۳/۸۲	۶-۳۰	ارزیابی وضع ظاهری رضایت از قسمت‌های مختلف بدن
۳۶/۹۰	۳۵/۷۱	۳۶/۳۱±۶/۳۳	۹-۴۵	مشغولیت فکری با اضافه وزن

نتایج آزمون کروسکال والیس بیانگر اختلاف آماری معنی‌دار بین BMI و میانگین امتیازات رضایت از تصویر ذهنی بدن در حیطه‌های ارزیابی وضع ظاهر ($P < 0.001$)، رضایت از قسمت‌های مختلف بدن ($P < 0.001$) و مشغولیت فکری با اضافه وزن بود ($P < 0.001$)، اما بین BMI و حیطه گرایش به ظاهر ارتباط معنی‌دار آماری مشاهده نشد.

تحلیل داده‌های آماری بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن بین الگوگیری عمومی و حیطه‌های ارزیابی وضع ظاهر ($r_s = -0.222, p < 0.001$) و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن ($r_s = -0.283, p < 0.001$) ارتباط معنی‌دار منفی و نیز بین متغیر فوق و حیطه‌های گرایش به ظاهر ($r_s = 0.187, p < 0.001$) و مشغولیت فکری با اضافه وزن ($r_s = 0.292, p < 0.001$) ارتباط معنی‌دار مثبت و نیز بین الگوگیری از ورزشکاران و مشغولیت فکری با اضافه وزن ($r_s = 0.120, p < 0.012$) ارتباط آماری معنی‌دار مثبت نشان داد (جدول ۲).

تک سوالات (Content Validity Index) و باز ترجمه استفاده شد. نتایج شاخص روایی CVI در هر چهار حیطه در تمامی سوالات در سه قسمت سادگی، واضح بودن و مربوط بودن بین ۰/۸ تا ۱ بود. جهت بررسی پایایی، از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شد، بدین منظور در یک مطالعه مقدماتی پرسشنامه‌ها به ۲۰ نفر از دانش‌آموزان دختر دارای مشخصات واحدهای پژوهش داده شد. ضریب آلفا کرونباخ، پایایی ابزار را در حیطه‌های مختلف بالای ۰/۷۵ نشان داد.

جهت گردآوری داده‌ها، پس از کسب مجوز انجام پژوهش از معاونت پژوهشی و کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی گیلان، آموزش و پرورش کل و آموزش و پرورش نواحی ۱ و ۲، پژوهشگر به دبیرستانهای منتخب شهر رشت مراجعه نموده و پس از اخذ رضایت نامه کتبی آگاهانه از دانش‌آموزان و والدین آنها، پرسشنامه به دانش‌آموزان تحویل و نحوه تکمیل آن توضیح داده می‌شد. پاسخگویی به سوالات در حضور پژوهشگر انجام می‌گرفت تا واحدهای مورد پژوهش بدون تبادل نظر به سوالات پاسخ دهند. بعد از تکمیل پرسشنامه قد و وزن دانش‌آموزان توسط پژوهشگر اندازه‌گیری و ثبت می‌شد. برای ارزیابی وضعیت نمایه‌ی توده بدنی از خط مشی‌های مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها (Center for disease control ; CDC) استفاده و دانش‌آموزان در یکی از چهار گروه: لاغر ($BMI < 18.5$)، وزن طبیعی ($BMI = 18.5 - 24.9$)، دارای اضافه وزن ($BMI = 25 - 29.9$) و چاق ($BMI > 30$) قرار می‌گرفتند.

اطلاعات با استفاده از نرم افزار آماری Spss نسخه ۱۶ و با کمک آمار توصیفی (برآورد فراوانی، درصد، محاسبه میانگین، انحراف معیار و میانه) و آمار استنباطی (آزمون کروسکال والیس، ضریب همبستگی اسپیرمن و مدل رگرسیون لجستیک رتبه‌ای و اسمی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج:

اکثریت واحدهای مورد پژوهش فرزند اول خانواده (۴۲/۵٪)، ۱۵ ساله (۴۳/۹٪)، شاغل به تحصیل در مدارس دولتی (۸۳/۸٪) در پایه اول دبیرستان (۳۶/۷٪) و

جدول ۲: ضرایب همبستگی برای میزان ارتباط بین حیطه‌های الگوگیری عمومی و الگوگیری از ورزشکاران و حیطه‌های مختلف رضایت از تصویر ذهنی بدنی بر اساس آزمون اسپیرمن

حیطه			
متغیرها	ارزیابی وضع	گرایش به رضایت از قسمتهای مشغولیت فکری	حیطه
الگوگیری عمومی	-۰/۲۲۲**	۰/۱۸۷**	مختلف بدن
الگوگیری از ورزشکاران	-۰/۰۷۶	-۰/۰۶۷	با اضافه وزن
	p<۰/۰۰۰۱	p<۰/۰۰۰۱	
	p<۰/۰۱۳	p<۰/۰۸۴	

افزایش در نمره الگوگیری عمومی، ۱/۰۳ بار ($p<۰/۰۰۸$) شانس رضایت از قسمت‌های مختلف بدن کاهش و ۱/۰۵ بار ($p<۰/۰۰۸$) شانس مشغولیت فکری با اضافه وزن افزایش می‌یافت (جدول ۳ و ۴).

با توجه به اطلاعات جدول ۵، الگوگیری عمومی بر بی تفاوت بودن نسبت به ظاهر اثر عکس دارد، بطوریکه یک واحد افزایش در نمره الگوگیری عمومی ریسک حساسیت پایین نسبت به ظاهر را (۱/۱-۱/۰۱) بار کاهش می‌دهد و همچنین متغیر الگوگیری عمومی بر حساسیت بالا نسبت به ظاهر نیز اثر معنی‌دار داشته، بطوریکه یک واحد افزایش در نمره الگوگیری عمومی ریسک حساسیت بالا نسبت به ظاهر را (۱/۰۸-۱/۰۰) بار افزایش می‌دهد.

بر اساس آنالیز رگرسیون لوجستیک رتبه‌ای و اسمی در مورد پیش‌گویی کننده‌های کننده‌های رضایت از تصویر ذهنی بدنی تنها در مورد متغیر الگوگیری عمومی نتایج معناداری وجود داشت؛ بطوریکه به ازای یک واحد

جدول ۳: برآورد ضرایب رگرسیونی عوامل مرتبط با حیطه رضایت از قسمت‌های مختلف بدن بر اساس مدل لوجستیک رگرسیون رتبه‌ای

P value	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای OR		Odds ratio	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای ضریب β		df	خطای معیار	ضریب β	متغیر
	حد بالا	حد پایین		حداکثر	حداقل				
۰/۰۳۷	۱/۰۰	۰/۹۴	۰/۹۷	- ۰/۰۰۲	- ۰/۰۶۴	۱	۰/۰۱۶	-۰/۰۳۳	الگوگیری عمومی

جدول ۴: برآورد ضرایب رگرسیونی عوامل مرتبط با حیطه مشغولیت فکری با اضافه وزن بر اساس مدل لوجستیک رگرسیون رتبه‌ای

P value	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای OR		Odds ratio	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای ضریب β		df	خطای معیار	ضریب β	متغیر
	حد بالا	حد پایین		حداکثر	حداقل				
۰/۰۰۸	۱/۰۹	۱/۰۱	۱/۰۵	۰/۰۸۵	۰/۰۱۳	۱	۰/۱۸	۰/۰۴۹	الگوگیری عمومی

جدول ۵: برآورد ضرایب رگرسیونی عوامل مرتبط با حیطه گرایش به ظاهر بر اساس مدل لوجستیک رگرسیون اسمی

P value	Odds		Odds ratio	df	خطای معیار	ضریب β	حیط گرایش به ظاهر	(حساسیت نرمال نسبت به وضعیت ظاهری) (گروه مرجع)
	حد بالا	حد پایین						
۰/۰۱۶	۰/۹۹۰	۰/۹۰۳	۰/۹۴۵	۱	۰/۰۲۳	-۰/۰۵۶	الگوگیری عمومی	حساسیت پایین نسبت به وضعیت ظاهری
۰/۰۴۷	۱/۰۸۲	۱/۰۰۰	۱/۰۴۰	۱	۰/۰۲۰	۰/۰۳۹	الگوگیری عمومی	حساسیت بالا نسبت به وضعیت ظاهری

بحث:

بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین رضایت از تصویر ذهنی بدنی در حیطه‌های ارزیابی وضع ظاهر و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن در دختران نوجوان در حد بالا بوده که به ترتیب نشان دهنده‌ی احساس جذابیت فیزیکی و رضایت بالای واحدهای مورد پژوهش از وضعیت ظاهری و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن است، هم‌چنین میانگین رضایت از تصویر ذهنی بدنی در حیطه مشغولیت فکری با اضافه وزن در حد پایین بود که نشان دهنده‌ی رضایت بالا و کمتر بودن نگرانی و اضطراب در مورد وزن، چاقی و رژیم گرفتن می‌باشد، اما بالا بودن میانگین رضایت از تصویر ذهنی بدنی در حیطه گرایش به ظاهر نشان دهنده‌ی این است که واحدهای مورد پژوهش، زمان، تلاش و انرژی ذهنی قابل توجهی را صرف ظاهرشان می‌کنند و به دنبال جذابیت هستند که این خود نشان دهنده‌ی رضایت پایین از تصویر ذهنی بدنی در این حیطه می‌باشد. مطالعه Thomas (۲۰۰۶) در شرق ایالات متحده آمریکا نیز نشان داد واحدهای مورد پژوهش رضایت بالایی از تصویر ذهنی بدنی در هر چهار حیطه ارزیابی وضع ظاهر، رضایت از قسمت‌های مختلف بدن، مشغولیت فکری با اضافه وزن و گرایش به ظاهر داشته‌اند (۲۴). نتایج پژوهش Kornblau و همکاران (۲۰۰۷) در جنوب ایالت تگزاس نیز نشان دهنده رضایت بالای واحدهای مورد پژوهش از تصویر ذهنی بدنی بود (۱۱). اما Chen و همکاران (۲۰۱۰) در تایوان به نتایجی مغایر نتایج فوق دست یافتند، بطوری که کمتر از ۲۰ درصد دختران رضایت از تصویر ذهنی بدنی داشتند و میانگین امتیاز رضایت از تصویر ذهنی بدنی در حیطه ارزیابی وضع ظاهر پایین بود (۲۵). در پژوهش Xu و همکاران (۲۰۱۰) در چین نیز میانگین امتیاز رضایت از تصویر ذهنی بدنی در حیطه رضایت از قسمت‌های مختلف بدن پایین بود (۲۶) که خود نشان دهنده‌ی تاثیر محیط‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت بر رضایت از تصویر ذهنی بدنی می‌باشد.

در پژوهش حاضر بین BMI و حیطه‌های مختلف رضایت از تصویر ذهنی بدنی اختلاف آماری معنی‌داری

مشاهده شد. بطوریکه دانش‌آموزان با BMI طبیعی و لاغر احساس جذابیت فیزیکی و رضایت بالاتری از وضعیت ظاهری و رضایت بیشتری از قسمت‌های مختلف بدن داشتند و دانش‌آموزان با BMI پایین کمترین نگرانی و اضطراب را در مورد وزن، چاقی، رژیم گرفتن و خوراک محدود گزارش نمودند. در مطالعه Daffner (۲۰۰۷) نیز بین BMI لاغر و طبیعی و حیطه‌های ارزیابی وضع ظاهر، رضایت از قسمت‌های مختلف بدن و مشغولیت فکری با اضافه وزن ارتباط آماری معنی‌داری مشاهده شد (۰/۰۰۱ < p) (۲۷). مطالعه Chen و همکاران (۲۰۱۰) در تایوان نیز نشان داد بین شاخص توده‌ی بدنی و رضایت از تصویر ذهنی بدنی در حیطه ارزیابی وضع ظاهر ارتباط معنی‌دار منفی وجود دارد (۰/۰۱ < P) و شاخص توده بدنی (۰/۰۰۱ < p)، احساس جذابیت فیزیکی و رضایت کمتر از وضعیت ظاهری (۰/۰۱ < p) از مهمترین پیش‌بینی کننده‌های نارضایتی از تصویر ذهنی بدنی گزارش گردید (۲۵). هم‌چنین نتایج پژوهش زو و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان داد، بین BMI و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن ارتباط آماری معنی‌داری وجود دارد، بطوریکه دختران با BMI لاغر و طبیعی نسبت به دختران دارای اضافه وزن رضایت بیشتری از قسمت‌های مختلف بدنشان داشتند (۲۶). با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان اظهار داشت در جوامع امروزی که معیارهای زیبایی حاکم، تناسب اندام و لاغر بودن را بویژه در دختران و زنان مورد تأکید قرار می‌دهد، تغییرات ناشی از بلوغ، فشار بیشتری را بر دختران نوجوان در مواجهه با این معیارها اعمال می‌کند به همین دلیل اضافه وزن و چاقی در دختران نوجوان یک عامل مهم و مؤثر در سلامت جسمی و روانی از جمله رضایت از تصویر ذهنی بدنی می‌باشد.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد، بین الگوگیری عمومی و حیطه‌های ارزیابی وضع ظاهر و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن ارتباط معنی‌دار منفی و هم‌چنین بین الگوگیری عمومی و حیطه‌های گرایش به ظاهر و مشغولیت فکری با اضافه وزن ارتباط معنی‌دار مثبت وجود دارد، بدین معنی که بدن‌بال افزایش الگوگیری عمومی از

نگرانی و اضطراب در مورد وزن، چاقی و رژیم گرفتن افزایش یافته است. در مطالعه Cardoso (۲۰۰۶) در ویرجینیا نیز بین الگوگیری از ورزشکاران و رضایت از تصویرذهنی بدنی ارتباط آماری معنی‌دار مثبت وجود داشت، بطوریکه دختران نوجوانی که از اندام‌های ورزشکاران الگوگیری می‌کردند، نارضایتی از تصویرذهنی بدنی داشته و خود را چاق‌تر از حد ایده‌آل می‌دانستند (۳۰).

نتیجه نهایی:

با توجه به نتایج مطالعه حاضر یکی از علل رضایت یا عدم رضایت از تصویر ذهنی بدنی را می‌توان در الگوهای فرهنگی اجتماعی جستجو کرد که در این راستا می‌توان به تبلیغات گسترده و بی‌امان رسانه‌ها اشاره نمود. رسانه‌ها از طریق تبلیغات، استانداردی غیر واقعی از وزن ایده‌آل و زیبایی را به جامعه تحمیل می‌کنند. آنها استانداردهایی را به رسمیت می‌شناسند که اکثر مردم قادر به دستیابی به آنها نیستند. نتیجه‌ی این مجاورت و فرهنگ پذیری، ارزشمند شدن معیارهایی برای تناسب بدن و جذابیت ظاهر فیزیکی است که ضمن همخوان نبودن با ویژگی‌ها و معیارهای سنتی، گاه دست نیافتنی‌تر جلوه می‌کند و سبب می‌گردد دختران از وضعیت ظاهری و وزن خود احساس شرمندگی، نارضایتی و بی‌کفایتی کنند، بنابراین شناسایی و پیشگیری زودرس این مشکلات بایستی مورد توجه کلیه افراد تیم پزشکی از جمله پرستاران مدرسه قرار گیرد، چرا که می‌توان با بالا بردن اعتماد به نفس دانش‌آموزان بطور مستقیم توسط پرستاران مدرسه و از طریق آموزش مراقبت بهداشتی در مدارس از بروز اختلال در تصویر ذهنی بدنی پیشگیری کرده و رضایت از تصویر ذهنی بدنی نوجوانان را بالا برده و بهداشت روانی آنها را ارتقاء بخشید. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به وضعیت روحی و روانی نمونه‌ها در هنگام تکمیل پرسشنامه اشاره نمود که می‌تواند در نتایج کل تأثیر گذار باشد.

سپاسگزاری:

این مقاله نتیجه پایان نامه کارشناسی ارشد مصوب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان به

رسانه‌ها، رضایت از تصویر ذهنی بدنی در حیطه‌های ارزیابی وضع ظاهر و رضایت از قسمت‌های مختلف بدن کاهش و مشغولیت فکری با اضافه وزن، نگرانی و اضطراب در مورد وزن، چاقی و رژیم گرفتن و حساسیت نسبت وضعیت ظاهری افزایش یافته است. در مطالعه Kerr (۲۰۰۸) در کالیفرنیا نیز بین الگوگیری از ایده‌آل‌های فرهنگی-اجتماعی ظاهر و لاغری و حیطه‌های رضایت از قسمت‌های مختلف بدن ارتباط معنی‌دار منفی ($p < 0/01$) و مشغولیت فکری با اضافه وزن و گرایش به ظاهر ارتباط معنی‌دار مثبت وجود داشت ($p < 0/01$)، بطوریکه دختران و زنانی که بیشتر از ایده‌آل‌های فرهنگی-اجتماعی ظاهر و لاغری در رسانه‌ها الگوگیری می‌کردند، رضایت کمتری از قسمت‌های مختلف بدنشان داشتند و نگرانی و اضطراب بیشتری در مورد وزن، چاقی، رژیم گرفتن و خوراک محدود گزارش نمودند و زمان، تلاش و انرژی ذهنی قابل توجهی را صرف ظاهرشان می‌کردند، اما در مطالعه Kerr بین این زیر مقیاس و حیطه ارزیابی وضع ظاهر ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد (۲۸). نتایج پژوهش Chen و همکاران (۲۰۱۰) در تایوان نیز نشان داد بین الگوگیری عمومی و حیطه ارزیابی وضع ظاهر و نارضایتی از تصویر بدنی ارتباط آماری معنی‌داری وجود دارد. در پژوهش آنها یکی از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های نارضایتی از تصویر ذهنی بدنی، الگوگیری عمومی از ایده‌آل‌های فرهنگی-اجتماعی بود ($\beta = 0/14$ ، $p < 0/05$)، Frisen and Holmqvist (۲۰۱۰) نیز به نتایجی مشابه پژوهش‌های فوق دست یافتند؛ بطوریکه دختران کمترین نمره‌ی زیر مقیاس‌های عزت بدنی مرتبط با وزن و ظاهر و بیشترین نمره‌ی حیطه‌ی الگوگیری عمومی را به خود اختصاص دادند، در پژوهش آنها نیز بین الگوگیری عمومی از اندام‌های ایده‌آل رسانه‌ای و زیر مقیاس‌های وزن و ظاهر ارتباط معنی‌دار منفی مشاهده شد (۲۹).

هم‌چنین نتایج نشان داد بین الگوگیری از ورزشکاران و حیطه مشغولیت فکری با اضافه وزن ارتباط آماری معنی‌دار مثبت وجود دارد؛ بدین معنی که بدن‌بال افزایش الگوگیری از ورزشکاران، مشغولیت فکری با اضافه وزن،

- ing experiences. *Journal of Body Image* 2004; 1 (1): 155-167
13. Basaknezhad S, Ghaffari M. [Disfigure the body and the relationship between fear of psychological disorders in students]. *J Behav Sci* 2007; 1(2): 179-178 (Persian).
 14. Hargreaves DA, Tiggemann M. Idealized media image and adolescent body image: comparing boys and girls. *J Body Image* 2004; 1:351-361.
 15. Rezaei A, Inanloo M, Fekril M. [Management body and its relationship with social factors in Mazandaran University girls]. *J Women Strategic Studies* 2010; 47: 1-23 (Persian).
 16. Zokaei M Q. [Youth, culture body and fitness]. *J Cult Studies* 2007; 1(1):1-141 (Persian).
 17. Knauss C, Paxton SJ, Alsaker FD. Relationships amongst body dissatisfaction, internalization of the media body ideal and perceived pressure from media in adolescent girls and boys. *J Body Image* 2007; 4: 353 - 360.
 18. Jones DC, Vigfusdottir TH, Lee Y. body image and the appearance culture among adolescent girls and boys : an examination of friend conversation, peer criticism , appearance magazines, and the internalization of appearance ideals. *J Adolesc Res* 2004; 19(3): 323-329.
 19. Raygan N, Shaery M, Asghari Moghaddam M A. [The effect of cognitive therapy -a behavioral pattern based on 8 steps to cache on negative body image of female]. *J Shahed Univ* 2007; 8(19):11-22. (Persian)
 20. Cash TF. *The MBSRQ users manual* (3rd rev). 2005; Available from:
 21. Rahaty A. [A transformation of its relationship with body image and self-esteem by comparing age groups, teenagers, middle-aged and elderly]. MS Thesis, Shahed University 2004(Persian).
 22. Thompson J, Van den Berg P, Roehrig M, Guar A, Heinberg L. The sociocultural Attitudination towards Appearance scale - 3 (SATAQ-3) Development and Validation. *Int J Eating Disord* 2004; 35 (3): 293-304.
 23. Swami V. Examination of the factor structure of the sociocultural attitudes towards appearance questionnaire-3 in Malaysia. *J Body Image* 2009; 6: 129-132.
 24. Thomas LA. Body image concerns in african american adolescent females as influenced by acculturation. dissertation for the degree of doctor of psychology, University of Hartford 2006: 56-57.
 25. Chen LJ, Fox KR, Haase A, Ku PW. Correlates of body dissatisfaction among Taiwanese adolescents. *Asian Pac J Clin Nutr* 2010; 19 (2): 172-179.
 26. Xu X, Mellor D, Kiehne M, Ricciardelli LA, McCabe MP, Xu Y . Body image dissatisfaction in body change behaviors and socicultural influences on body image among Chinese ado-
- شماره قرارداد ۸۷۱۸۴ و مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۲ می‌باشد، بدینوسیله محققین، نهایت تقدیر و تشکر خود را از حوزه معاونت محترم پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی گیلان به دلیل تصویب و تأمین بودجه طرح پژوهشی و اعضای شورای پژوهشی و مسئولین آموزش پرورش کل و نواحی ۱ و ۲ شهر رشت و کلیه دانش‌آموزان شرکت کننده، مدیران و معلمان محترم که در انجام این تحقیق مساعدت‌های لازم را فراهم نمودند، ابراز می‌نمایند.
- منابع :**
1. Habib Pour Z, Sharifi A. [A comparative study of depression in girls and boys adolescent]. *J School Nurs Urmia* 2008; 7(1): 8-12(Persian).
 2. Shoarinezhad AA. [Developmental psychology]. Vol 2. Tehran: Payam Noor University, 2007: 31. (Persian)
 3. Amidy M, Ghofranipour F, Hosseini R. [Relationship between body image dissatisfaction and body mass index in girls adolescent]. *J Behav Sci* 2006; 4(1): 59-65(Persian)
 4. Aghakhani N, Faizi A, Sham I, et al. [Assessment of body image and self esteem in students]. *J Urmia*, 2006;17(14):254-259 (Persian).
 5. Shamsaddin Saeed N, Aziz-zade FM, Mohammad Alizadeh S, Haghdoost AA, Gross B. [Relationship of body image and eating disorders]. *J Nurs Res* 2009; 4 (15): 33-43(Persian).
 6. Fett AK, Lattimore P, Roehrig M, Gross B, Jansen A. Food cue exposure and body image satisfaction: The moderating role of BMI and dietary restraint. *J Body Image* 2009; 6: 14-18.
 7. Kushan M, Vaghei Q. [Psychiatric Nursing (Health 1)]. 5th ed. Vol 1. Tehran: Andishe Rafi Thought, 2007: 54 (Persian).
 8. Levine M, Piran N. The role of body image in the prevention of eating disorders. *J Body image* 2004; 1: 57 -70.
 9. Sujoldzic A, Lucica AD. A cross-cultural study of adolescents-BMI, body image and psychological well-being. *Coll Antropol* 2007; 31 (1): 123-130.
 10. Freda I, Gamze A. Social phobia among university students and its relation to self-esteem and body-image. *Canadian J Psychiatr* 2004; 49 (9): 630-635.
 11. Kornblau IS, Pearson HC, Breitkopf CR. Demographic, behavioral and physical correlates of body esteem among low - income female adolescents. *J Adolesc Health* 2007; 41: 566-570.
 12. Annis NM, Cash TF, Hrabosky JI. Body image and psychosocial differences among stable average weight, currently overweight, and formerly overweight women: the role of stigmatiz

- lescents. *Journal of Body Image* 2010; 289: 1-9.
27. Daffner C. The effect of body image appearance on satisfaction with daily life activities of white average weight, overweight and obese premenopausal women. dissertation for the degree doctor of psychology, College of Health Sciences of Touro University International 2007:10.
28. Kerr AJ. Weight-based teasing as a predictor of body image disturbance: social comparison and internalization as mediators. dissertation for the degree doctor of philosophy in psychology, California School of Professional Psychology 2008.
29. Frisen A, Holmqvist K. Physical, sociocultural, and behavioral factors associated with body-esteem in 16-year-old swedish boys and girls. *Sex Roles* 2010; 63: 373-385.
30. Cardosi CA. Effect of media on female adolescents satisfaction with their body image. in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy, University of Virginia 2006: 11.